

سیمای علوم انسانی در مطالعات آمایش آموزش عالی کشور: مورد استان خراسان رضوی

محمد رضا آهنجیان*

چکیده

هدف این مقاله بررسی مبانی نظری مطالعات آمایش آموزش عالی، هدف، ساختار، روش و مسیر مطالعه، به علاوه آرایه‌ی اصلی‌ترین دستاوردهای آن در گروه علوم انسانی و در استان خراسان رضوی است. به این منظور پس از آرایه‌ی اطلاعاتی از وضعیت علوم انسانی در سال‌های ۱۳۸۹ و ۱۳۹۴، در پنج محور: اولویت بندی گروه های تحصیلی؛ تغییر در تعداد و ترکیب رشته های علوم انسانی برای سال ۱۳۹۴؛ تعداد رشته های فعال گروه علوم انسانی به تفکیک مقطع؛ توزیع رشته های علوم انسانی بر حسب محل؛ و توزیع رشته های علوم انسانی بر حسب زیرنظام؛ مهمترین تصمیمات و روش های اتخاذ آن در ارتباط با گروه علوم انسانی مطرح شد. بر اساس برخی از مهمترین نتایج تحقیق روشن شد که توسعه‌ی رشته‌های علوم انسانی از الگوی معینی تبعیت نکرده است؛ زیرنظام‌های آموزش عالی، نقشه‌ای معین برای توسعه‌ی متوازن رشته‌های تحصیلی در این گروه نداشته‌اند؛ علوم انسانی حکم وسیله‌ای برای تأمین خواست مراجع بالاسری در کشاندن آموزش عالی به شهرهای دورافتاده‌ی فاقد امکانات اولیه برای توسعه را بازی کرده است؛ سیاست‌گذاری توسعه‌ی رشته‌های گروه علوم انسانی مبتنی بر رویکرد "ترجیح به دلیل سهولت" بوده است؛ هیچ رابطه‌ی منطقی بین نوع و فراوانی رشته‌های دایر علوم انسانی، مختصات شهری-ناحیه‌ای وجود ندارد؛ بین توسعه‌ی علوم انسانی با تغییرات اجتماعی، انتظارات جدید فرهنگی، نیازهای

*دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد . ahanchi8@um.ac.ir

کارفرمایان، و به‌طور کلی الزامات توسعه‌ی ملی ربط منطقی وجود نداشته است؛ پیشرفت‌های فناوری در بین گروه‌های آموزشی کمترین اثر را در علوم انسانی داشته است؛ یک نظام سیاست‌گذاری استانی در مورد هیچ یک از گروه‌های آموزش عالی از جمله علوم انسانی وجود نداشته است؛ بیشترین وزن توسعه‌ی کمی علوم انسانی به دانشگاه پیام نور واگذار شده است که دانشگاهی با رویکرد آموزش از راه دور است. **کلیدواژه‌ها:** علوم انسانی، مقاطع تحصیلی، زیرنظامها، آمایش آموزش عالی، استان خراسان رضوی

مقدمه

یکی از ابعاد مهم شکاف توسعه بین جوامع، تفاوت آنان در بهره‌برداری از فرصت‌های آموزشی است. هر چه فرصت‌های آموزشی در کلیه‌ی سطوح تحصیلی از جمله آموزش عالی کمتر باشد، به همان اندازه فرصت تشکیل سرمایه‌ی انسانی و استفاده از فرصت‌های توسعه کمتر خواهد بود. اجرای مطالعات توسعه. آموزش عالی و تهیه‌ی نقشه برای آن، یکی از راه‌های احراز اطمینان نسبی در مورد توازن در ایجاد فرصت‌هاست. در غیر این صورت، نه فقط آموزش عالی به توسعه‌ی متوازن منطقه‌ای و ملی کمک نمی‌کند که به عکس با تشدید نابرابریها و افزایش شکاف سرمایه‌ی انسانی، منجر به کورت‌تر شدن گره توسعه‌ی پایدار می‌گردد. آمایش آموزش عالی به شناسایی نیازمندیهای توسعه آموزش عالی در پهنه‌ی سرزمینی کمک می‌کند و در این راه بهترین استعدادهای توسعه را به متناسبترین صورت ممکن با این نیازمندیها پیوند می‌زند. به همین دلیل برنامه‌ی مطالعات آمایش یکی از محورهای اصلی آموزش عالی کشور در سال ۱۳۸۹-۱۳۹۰ قلمداد می‌شود.

آمایش در لغت، اسم مصدر آمودن و آمايیدن به معنای در هم کردن، آماده کردن، آراسته کردن و مستعد کردن است. آمایش به معنی مدیریت سرزمین است و در واقع نوعی برنامه ریزی توسعه است که هدف آن سازماندهی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و زیست محیطی، به منظور تحقق آینده‌ای مطلوب است (عندلیب و مطوف، ۱۳۸۸). پیش از اتخاذ هر تصمیمی درباره‌ی توسعه‌ی آموزش عالی، لزوم مطالعات آمایش محرز است. منظور از توسعه در اینجا، مجموعه اقدامات سنجیده‌ای است که به منظور تحقق عدالت در توزیع فرصت‌ها، توازن بخشی به خدمات آموزش عالی بر حسب الزامات